

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ





چالش‌ها و راهکارهای ارتقاء نهاد وقف در ایران



### مؤلفان:

دکتر روح‌اله ابوجعفری

عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فناوری

دکتر سعید مسعودی پور

عضو هیئت علمی دانشگاه قم

دکتر مجتبی نصراللهی نسب



انتشارات  
دانشگاه امام صادق علیه السلام

**عنوان:** اقتصاد وقف؛ چالش‌ها و راهکارهای ارتقاء نهاد وقف در ایران  
**مؤلفان:** دکتر روح‌الله ابوجعفری، دکتر سعید مسعودی پور و دکتر مجتبی نصراللهی نسب  
**ناشر:** دانشگاه امام صادق علیه السلام  
**صفحه‌آرا:** رضا عبداللهی بجندی  
**طراح جلد:** محمد حسین بصیری  
**نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ:** رضا دیبا  
**چاپ و صحافی:** چاپ سپیدان  
**چاپ اول:** ۱۴۰۵ / قیمت: ۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال  
**شمارگان:** ۵۰۰ نسخه / شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۱۰۴-۳

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخرزای و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۲ و ۳  
تلفن: ۰۶۶۹۵۴۶۰۳، تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱  
فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه  
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲  
فروشگاه اینترنتی: <https://isupub.ir> • E-mail: [pub@isu.ac.ir](mailto:pub@isu.ac.ir)

سرشناسه: ابوجعفری، روح‌الله، ۱۳۵۹-  
عنوان و نام پدیدآور: اقتصاد وقف؛ چالش‌ها و راهکارهای ارتقاء نهاد وقف در ایران/  
مؤلفان روح‌الله ابوجعفری، سعید مسعودی پور، مجتبی نصراللهی نسب.  
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۰۵.  
مشخصات ظاهری: ۳۱۰ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۱۰۴-۳  
موضوع: وقف (فقه)  
موضوع: سیاست اقتصادی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام  
موضوع: ایران -- سیاست اقتصادی  
شناسه افزوده: مسعودی پور، عید، ۱۳۶۷--  
شناسه افزوده: نصراللهی نسب، مجتبی، ۱۳۶۷-  
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)  
رده‌بندی کنگره: BP ۱۹۳/۲ رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۶۸۲۸۸

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.  
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

## فهرست اجمالی

سخن ناشر.....	۱۷
پیشگفتار نویسندگان .....	۱۹
فصل اول: بررسی و مبانی نظری و مفاهیم پایه .....	۲۱
فصل دوم: تبیین چهارچوب تحلیل نهاد وقف .....	۵۹
فصل سوم: احصا و دسته‌بندی نظام مسائل اقتصاد وقف در ایران .....	۹۵
فصل چهارم: اولویت‌بندی و تحلیل سیستمی مسائل نهاد وقف در ایران .....	۱۳۷
فصل پنجم: راهبردها و راهکارهای تحول نهاد وقف در ایران .....	۱۹۱
نتیجه‌گیری .....	۲۸۳
منابع و مأخذ.....	۲۸۷
نمایه .....	۲۹۷



## فهرست تفصیلی

سخن ناشر.....	۱۷
پیشگفتار نویسندگان.....	۱۹
فصل اول: بررسی و مبانی نظری و مفاهیم پایه.....	۲۱
مقدمه.....	۲۱
۱-۱. تعاریف مفاهیم دینی در رفتارهای خیرخواهانه.....	۲۱
۱-۱-۱. انفاق.....	۲۳
۱-۱-۲. صدقه.....	۲۵
۱-۱-۳. خمس.....	۲۷
۱-۱-۴. زکات.....	۲۸
۱-۱-۵. قرض الحسنه.....	۲۹
۱-۱-۶. وقف.....	۳۱
۱-۱-۷. هبه.....	۳۲
۱-۲. مقایسه تطبیقی انفاق، صدقه، زکات و.....	۳۲
۱-۳. رابطه نهاد وقف با نظام اجتماعی.....	۳۴
۱-۳-۱. رویکرد تحلیل نظام اجتماعی پارسونز.....	۳۴
۲-۳-۱. رابطه نهاد وقف با نظام اجتماعی مبتنی بر مدل AGIL.....	۳۷
۳-۳-۱. رابطه نهاد وقف با خرده نظام اجتماعی.....	۳۷
۴-۳-۱. رابطه نهاد وقف با خرده نظام فرهنگی.....	۳۸
۵-۳-۱. رابطه نهاد وقف با خرده نظام اقتصادی.....	۳۹
۶-۳-۱. رابطه نهاد وقف با خرده نظام سیاسی.....	۴۰
۱-۴. وقف و تأثیر آن در سطوح نظام اقتصادی.....	۴۱
۱-۴-۱. وقف و اقتصاد کلان.....	۴۱

۴۱-۲-۴-۱	تورم و وقف .....	۴۱
۴۱-۱-۲-۴-۱	تورم ناشی از فشار تقاضا .....	۴۱
۴۲-۲-۴-۱	تورم ناشی از فشار هزینه .....	۴۲
۴۲-۳-۴-۱	تورم ساختاری .....	۴۲
۴۳-۳-۴-۱	اشتغال .....	۴۳
۴۵-۴-۴-۱	تولید و رشد .....	۴۵
۴۹-۵-۴-۱	وقف و اقتصاد میانی .....	۴۹
۵۰-۱-۵	نقش آفرینی اقتصاد وقف با رویکرد بخشی .....	۵۰
۵۰-۱-۵-۱	رویکرد بخشی مبتنی بر چهارچوب نظام نوآوری بخشی .....	۵۰
۵۱-۲-۵-۱	رویکرد بخشی مبتنی بر چهارچوب زنجیره ارزش .....	۵۱
۵۳-۳-۵-۱	نقش آفرینی اقتصاد وقف با رویکرد منطقه‌ای .....	۵۳
۵۷	جمع‌بندی .....	۵۷
۵۹	<b>فصل دوم: تبیین چهارچوب تحلیل نهاد وقف .....</b>	۵۹
۵۹	مقدمه .....	۵۹
۵۹-۲-۱	حکمرانی اقتصادی: سطح خرد و کلان .....	۵۹
۶۲-۲-۲	تبیین نظری چهارچوب تحلیل نهاد وقف .....	۶۲
۶۲-۱-۲-۲	چهارچوب تحلیل و توسعه نهادی استروم .....	۶۲
۶۷-۲-۲-۲	چهارچوب تحلیل فرایندی وقف .....	۶۷
۶۸-۱-۲-۲-۲	تبیین مرحله‌ای وقف: پیش از وقف، حین وقف و پس از وقف .....	۶۸
۶۸	الف) قبل از وقف .....	۶۸
۷۱	ب) حین وقف .....	۷۱
۷۱	پ) پس از وقف .....	۷۱
۷۲-۲-۲-۲	موضوع‌شناسی اقتصادی با توجه به الگوی فرایندی وقف .....	۷۲
۷۳	الف) تحبیس موقوفه .....	۷۳
۸۰	ب) ایجاد منفعت .....	۸۰
۸۸	پ) تسبیل منفعت .....	۸۸
۹۳	جمع‌بندی .....	۹۳

**فصل سوم: احصا و دسته بندی نظام مسائل اقتصاد وقف در ایران ..... ۹۵**

مقدمه ..... ۹۵

۳-۱. نظام مسائل نهاد وقف در ایران ..... ۹۷

۳-۱-۱. مسائل سطح خرد ..... ۹۸

۳-۱-۱-۱. بازاریابی وقف و ایجاد موقوفات جدید ..... ۹۸

۳-۱-۱-۲. توجه به وقف جدید (نیات و روش های وقف) ..... ۱۰۳

۳-۱-۱-۳. صیانت از موقوفات ..... ۱۰۶

۳-۱-۱-۴. ایجاد منفعت ..... ۱۰۸

۳-۱-۱-۵. اجرای نیت ..... ۱۱۴

۳-۱-۱-۶. موقوفات احیاء نشده ..... ۱۲۳

۳-۱-۲. مسائل سطح کلان ..... ۱۲۴

۳-۱-۲-۱. مسائل ساختاری و اجرایی اوقاف ..... ۱۲۴

۳-۱-۲-۲. نگاه فراسازمانی اوقاف ..... ۱۳۲

جمع بندی ..... ۱۳۴

**فصل چهارم: اولویت بندی و تحلیل سیستمی مسائل نهاد وقف در ایران ..... ۱۳۷**

مقدمه ..... ۱۳۷

۴-۱. رتبه بندی نظام مسائل احصاشده ..... ۱۳۹

۴-۲. وزن دهی به نظام مسائل با تفکیک مسائل خرد و کلان ..... ۱۵۴

۴-۲-۱. تعیین اولویت مسائل سطح خرد ..... ۱۵۴

۴-۲-۲. تعیین اولویت مسائل سطح کلان ..... ۱۵۷

۴-۲-۳. وزن دهی به نظام مسائل با توجه به پست سازمانی ..... ۱۵۹

۴-۲-۳-۱. رتبه بندی مسائل از منظر مدیران کل ..... ۱۵۹

۴-۲-۳-۲. رتبه بندی مسائل از منظر مدیران اقتصادی سازمان ..... ۱۶۳

۴-۲-۳-۳. رتبه بندی مسائل از منظر مدیران پشتیبانی و توسعه منابع انسانی سازمان ..... ۱۶۷

۴-۲-۳-۴. رتبه بندی مسائل از منظر مدیران اوقافی و حقوقی سازمان ..... ۱۷۱

۴-۲-۳-۵. رتبه بندی مسائل از منظر مدیران فرهنگی سازمان ..... ۱۷۴

۴-۲-۳-۶. مقایسه اولویت های اصلی در نظام مسائل از منظر مدیران مختلف ..... ۱۷۸

- ۱۸۱-۴-۲. تحلیل سیستمی نظام مسائل سازمان اوقاف و امور خیریه ..... ۱۸۱
- ۱۸۱-۴-۲-۱. روش‌شناسی تحلیل پویایی سیستم ..... ۱۸۱
- ۱۸۲-۴-۲-۲. ترسیم روابط علی-معلولی در خرده‌سیستم‌ها ..... ۱۸۲
- ۱۸۶-۴-۲-۳. مدل نهایی سیستمی مسائل سازمان اوقاف ..... ۱۸۶
- ۱۸۷ جمع‌بندی ..... ۱۸۷
- فصل پنجم: راهبردها و راهکارهای تحول نهاد وقف در ایران..... ۱۹۱**
۱۹۱. مقدمه ..... ۱۹۱
- ۱۹۲-۵. عوامل حیاتی موفقیت در سازمان ..... ۱۹۲
- ۱۹۳-۱-۵. الگوهای نوین توسعه موقوفات و زنجیره ارزش آن‌ها ..... ۱۹۳
- ۱۹۵-۲-۱-۵. توسعه ابزارهای تأمین مالی و نهادسازی‌های مرتبط ..... ۱۹۵
- ۱۹۶-۳-۱-۵. انگیزه سرمایه انسانی ..... ۱۹۶
- ۱۹۸-۴-۱-۵. تمرکززدایی و تفویض اختیار به سطوح استانی و شهرستانی ..... ۱۹۸
- ۱۹۹-۵-۱-۵. ارتقاء و اصلاح تصویر سازمانی اوقاف و امور خیریه ..... ۱۹۹
- ۲۰۱-۵-۲. راهبردها و راهکارهای ارتقاء بهره‌وری اقتصادی در سازمان ..... ۲۰۱
- ۲۰۲-۱-۲-۵. راهبردها و راهکارهای تحول در حوزه بازاریابی وقف و وقف جدید ..... ۲۰۲
- ۲۰۴-۱-۲-۵. طراحی ابزارها و سازوکارهای فعال‌سازی وقف‌های مشارکتی و نوین ..... ۲۰۴
- ۲۰۵-۲-۱-۲-۵. فعال کردن واحد تبلیغات وقف در رسانه ملی و شبکه‌های اجتماعی ..... ۲۰۵
- ۲۰۵-۳-۱-۲-۵. هدف قراردادن گروه‌های خاص با برنامه‌های ویژه بازاریابی ..... ۲۰۵
- ۲۰۶-۴-۱-۲-۵. کاهش فرایندهای اجرایی و اداری وقف و انجام آن توسط سازمان ..... ۲۰۶
- ۲۰۷-۵-۱-۲-۵. طراحی سازوکار اجرایی برای وقف موضوعی ..... ۲۰۷
- ۲۰۸-۶-۱-۲-۵. آموزش و افزایش مهارت مشاوران و بازاریاب وقف ..... ۲۰۸
- ۲۰۸-۷-۱-۲-۵. استفاده از مشوق‌های مالی مانند معافیت یا تخفیفات مالیاتی برای واقفان ..... ۲۰۸
- ۲۰۹-۲-۲-۵. راهبردها و راهکارهای تحول در حوزه صیانت و حفظ موقوفات ..... ۲۰۹
- ۲۰۹-۱-۲-۲-۵. بیمه کردن موقوفات ..... ۲۰۹
- ۲۱۱-۲-۲-۵. ایجاد ظرفیت‌های حقوقی و قانونی برای جلوگیری از موقوفه‌خواری ..... ۲۱۱
- ۲۱۲-۳-۲-۲-۵. اطلاع‌رسانی عمومی در خصوص موقعیت موقوفات ..... ۲۱۲
- ۲۱۲-۴-۲-۲-۵. استفاده از سازوکارهای سوت‌زنی برای جلوگیری از موقوفه‌خواری ..... ۲۱۲

- ۵-۲-۲-۵. پیگیری احیاء موقوفات به تصرف درآمده توسط سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی ..... ۲۱۳
- ۵-۲-۳. راهبردها و راهکارهای تحول در حوزه احیاء موقوفات، ایجاد منفعت و سرمایه‌گذاری ..... ۲۱۴
- ۵-۲-۳-۱. شکل‌گیری نهادهای مالی برای تأمین مالی وقف ..... ۲۱۴
- الف) استفاده از ظرفیت بازار پول برای تأمین مالی طرح‌های توسعه وقف ... ۲۱۴
- ب) استفاده از ظرفیت بازار سرمایه برای تأمین مالی طرح‌های توسعه وقف . ۲۱۵
- پ) استفاده از ظرفیت تأمین مالی مردمی برای توسعه طرح‌های وقف ..... ۲۱۷
- ت) استفاده از ظرفیت نهاد مالی برای مدیریت وجوه رسوب‌کرده ..... ۲۱۷
- ۵-۲-۳-۲. استفاده از ظرفیت شرکت‌های توسعه‌دهنده در احیاء موقوفات ..... ۲۱۸
- ۵-۲-۳-۳. بهره‌گیری از ظرفیت‌های ناشی از تکمیل زنجیره ارزش تولید ..... ۲۱۸
- ۵-۲-۳-۴. ایجاد نشان محصولات وقفی و بازاریابی برای محصولات وقفی ... ۲۱۹
- ۵-۲-۳-۵. استفاده از ظرفیت کارگزاری فناوری در افزایش بهره‌وری موقوفات .. ۲۲۰
- ۵-۲-۳-۶. پنجره واحد ارائه فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تسهیل فرایندهای جذب سرمایه‌گذار ..... ۲۲۲
- ۵-۲-۳-۷. روش‌های تأمین مالی برای موقوفات انتفاعی ..... ۲۲۳
- ۵-۲-۴. راهبردها و راهکارهای تحول در حوزه اجرای نیت ..... ۲۲۴
- ۵-۲-۴-۱. پرهیز از اجرای نیت از طریق تزریق منابع مالی ..... ۲۲۵
- ۵-۲-۴-۲. تجمیع تقاضا و استفاده از ظرفیت اقتصاد مقیاس ..... ۲۲۵
- ۵-۲-۴-۳. ایجاد واحد تولید کالا یا خدمات پرتقاضا برای اجرای نیت ..... ۲۲۶
- ۵-۲-۴-۴. استفاده از ظرفیت خیر جدید در کنار وقف ..... ۲۲۶
- ۵-۲-۴-۵. استفاده از ظرفیت خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد برای اجرای نیت .. ۲۲۹
- ۵-۲-۴-۶. استفاده از ظرفیت کسب‌وکارهای اجتماعی برای اجرای نیت ..... ۲۲۹
- ۵-۲-۴-۷. اولویت‌بندی موقوف‌علیهم در اجرای نیت ..... ۲۳۱
- ۳-۵. سیاست‌ها و ملاحظات تحول اقتصادی در سه سطح نهاد وقف، سازمان اوقاف و امور خیریه و موقوفات ..... ۲۳۳
- ۵-۳-۱. راهبردها و راهکارهای تحول در سطح نهاد وقف ..... ۲۳۳
- ۵-۳-۱-۱. مردمی‌سازی وقف و کاهش تصدی‌گری دولتی ..... ۲۳۴

- ۲۳۵-۳-۱-۲. استفاده از ظرفیت امور خیریه و بخش سوم در کنار وقف..... ۲۳۵
- الف) سناریوپردازی الگوی مطلوب فعالیت مدیریت نهاد وقف ..... ۲۳۸
- ب) سناریوپردازی در حکمرانی امور خیریه ..... ۲۳۹
- پ) سناریوپردازی در حکمرانی وقف ..... ۲۴۱
- ت) سناریوهای ممکن برای اجرای نیت ..... ۲۴۵
- ث) سناریوهای ممکن برای انجام فعالیت‌های اقتصادی ..... ۲۴۷
- ۳-۱-۳-۳. حل مسائل راهبردی کشور توسط وقف ..... ۲۴۸
- ۴-۱-۳-۵. اصلاح برخی از قوانین ناظر به حوزه وقف ..... ۲۴۹
- ۵-۱-۳-۵. طراحی سامانه منسجم و بین‌بخشی اعتبارسنجی مددجویان ..... ۲۵۰
- ۶-۱-۳-۵. اتخاذ رویکرد راهبردی و کلان در برنامه‌ریزی برای توسعه وقف در کشور ..... ۲۵۲
- ۷-۱-۳-۵. شکل‌گیری نهاد ستاد احیاء موقوفات استانی ..... ۲۵۲
- ۲-۳-۲. راهبردها و راهکارهای تحول در سطح سازمان اوقاف و امور خیریه ..... ۲۵۳
- ۱-۲-۳-۵. افزایش تفویض اختیار به سطوح استانی و شهرستانی ..... ۲۵۳
- ۲-۲-۳-۵. توسعه نظام آماري وقف ..... ۲۵۳
- ۳-۲-۳-۵. اطلس موقوفات ..... ۲۵۴
- ۴-۲-۳-۵. توجه ویژه به ظرفیت موقوفات انتفاعی در معاونت اقتصادی سازمان .. ۲۵۴
- ۵-۲-۳-۵. بهره‌گیری از تجربیات و نظرات مدیران و کارشناسان خبره بازنشسته . ۲۵۵
- ۶-۲-۳-۵. استانداردسازی هزینه‌های مختلف در سازمان و هزینه تمام‌شده خدمات موقوفات انتفاعی ..... ۲۵۶
- ۷-۲-۳-۵. برون‌سپاری بخشی از فعالیت‌های اجرایی سازمان اوقاف به‌منظور چابکی سازمانی ..... ۲۵۶
- ۸-۲-۳-۵. استقرار نظام ارزیابی عملکرد استانی و شهرستانی ..... ۲۵۷
- ۳-۳-۳. راهبردها و راهکارهای تحول در سطح موقوفات ..... ۲۵۸
- ۱-۳-۳-۵. توجه به برنامه‌ریزی موقوفه‌محور ..... ۲۵۸
- ۲-۳-۳-۵. برنامه‌ریزی برای توسعه امکانات و قابلیت‌های موقوفات انتفاعی .. ۲۵۹
- ۳-۳-۳-۵. ملاحظات احیاء و ایجاد منفعت در موقوفات براساس نوع کاربری ..... ۲۵۹
- الف) زمین‌های کشاورزی ..... ۲۵۹
- ب) واحدهای تجاری ..... ۲۶۱

فهرست مطالب >>> ۱۳

۲۶۱.....	پ) واحدهای مسکونی
۲۶۴.....	ت) تحلیل وظایف معاونت اقتصادی
۲۶۸.....	۴-۳-۳-۴. بررسی فرصت‌های سرمایه‌گذاری یا به صورت متمرکز یا غیرمتمرکز.
۲۶۸.....	۴-۵. پیش‌نویس سند راهبردی تحول بهره‌وری اقتصادی نهاد وقف در سازمان اوقاف و امور خیریه
۲۸۳.....	نتیجه‌گیری
۲۸۷.....	منابع و مآخذ
۲۹۷.....	نمایه

فهرست جدول‌ها

۳۳.....	جدول (۱-۱): مقایسه تطبیقی رفتارهای خیرخواهانه دینی در اقتصاد دهش
۴۶.....	جدول (۲-۱): تعداد رقبه برحسب نوع کاربری
۴۷.....	جدول (۳-۱): طبقه‌بندی بین‌المللی رشته فعالیت‌های اقتصادی
۴۷.....	جدول (۴-۱): تطبیق فعالیت‌های اقتصادی حوزه وقف با طبقه‌بندی آیسیک
۴۸.....	جدول (۵-۱): عناوین نیات
۵۶.....	جدول (۶-۱): تعداد رقبه برحسب سطح اهمیت
۱۳۹.....	جدول (۱-۴): نمادها برای کدگذاری مسائل وقف
۱۴۱.....	جدول (۲-۴): محاسبه CL هر یک از گزینه‌ها
۱۴۳.....	جدول (۳-۴): رتبه‌بندی نظام مسائل سازمان اوقاف و امور خیریه
۱۴۸.....	جدول (۴-۴): میانگین CL زیرمؤلفه‌های موضوعات
۱۵۰.....	جدول (۵-۴): پراکندگی پاسخ پرسش‌شوندگان در خصوص مسائل سازمان
۱۵۳.....	جدول (۶-۴): رتبه توافقی در ۱۰ مسئله اول از نظر پاسخ‌دهندگان
۱۵۵.....	جدول (۷-۴): اولویت‌بندی مسائل سازمان اوقاف در سطح خرد
۱۵۷.....	جدول (۸-۴): اولویت‌بندی مسائل سازمان اوقاف در سطح کلان

جدول (۹-۴): رتبه‌بندی مسائل از منظر مدیران کل اوقاف ..... ۱۶۰

جدول (۱۰-۴): رتبه‌بندی مسائل از منظر مدیران اقتصادی ..... ۱۶۴

جدول (۱۱-۴): رتبه‌بندی مسائل از منظر مدیران پشتیبانی و منابع انسانی ..... ۱۶۷

جدول (۱۲-۴): رتبه‌بندی مسائل از منظر مدیران اوقافی و حقوقی ..... ۱۷۱

جدول (۱۳-۴): رتبه‌بندی مسائل از منظر مدیران فرهنگی ..... ۱۷۵

جدول (۱۴-۴): مقایسه اولویت‌های اصلی در نظام مسائل از منظر مدیران مختلف ..... ۱۷۸

جدول (۱-۵): ارزیابی سناریوهای حوزه اجرای نیت ..... ۲۴۷

جدول (۲-۵): راهبردهای کلان سند ناظر به مدل مفهومی پژوهش ..... ۲۷۱

### فهرست شکل‌ها

شکل (۱-۱): مدل‌واره کارکردی نظام کنش ..... ۳۶

شکل (۲-۱): تحلیل رابطه نهاد وقف با نظام اجتماعی مبتنی بر چهارچوب مفهومی AGIL ..... ۳۷

شکل (۳-۱): زنجیره ارزش مبتنی بر الگوی پورتر ..... ۵۳

شکل (۴-۱): مقایسه سهم هزینه‌ای اجرای نیت اجتماعی در استان‌ها در سال ۱۳۹۷ ..... ۵۵

شکل (۱-۲): سطوح مختلف فعالیت‌های اقتصادی حسب چهارچوب تحلیل و توسعه نهادی ..... ۶۴

شکل (۲-۲): ساختار بازار بورس در ایران بر اساس قانون مصوب سال ۱۳۸۴ ..... ۶۶

شکل (۳-۲): مفهوم فرایندی وقف ..... ۷۲

شکل (۴-۲): مؤلفه‌های اصلی اقتصاد موقوفه ..... ۷۳

شکل (۵-۲): عدم تقارن اطلاعات میان بازیگران اقتصادی وقف ..... ۷۷

شکل (۶-۲): انواع درآمدزایی موقوفه ..... ۸۲

شکل (۱-۳): مدل دسته‌بندی نظام مسائل نهاد وقف در ایران ..... ۹۷

شکل (۲-۳): رابطه میان راهبرد و ساختار ..... ۱۲۵

شکل (۱-۴): مدیران بخش‌های مختلف برای بررسی نظرات آن‌ها ..... ۱۵۹

شکل (۲-۴): روابط سیستمی میان متغیرهای مؤثر بر تصویر سازمانی و تمایل به وقف ..... ۱۸۲

شکل (۳-۴): روابط سیستمی متغیرهای کلیدی منابع انسانی مؤثر افزایش بهره‌وری وقف ..... ۱۸۴

شکل (۴-۴): بررسی سیستمی تأثیر کاهش تصدی‌گری وقف در بهره‌وری اقتصادی سازمان اوقاف ..... ۱۸۵

شکل (۴-۵): تأثیرگذاری متقابل نقش همکاری فراسازمانی در نقش‌آفرینی سازمان در سیاست‌های کلان کشور.....	۱۸۵
شکل (۴-۶): روابط سیستمی بین متغیرهای اصلی مؤثر در بهره‌وری اقتصادی سازمان اوقاف و امور خیریه.....	۱۸۷
شکل (۵-۱): عوامل حیاتی موفقیت در سازمان اوقاف و امور خیریه.....	۱۹۳
شکل (۵-۲): شمای کلی راهبردها و راهکارهای ارتقاء بهره‌وری در سازمان اوقاف و امور خیریه ...	۲۰۲
شکل (۵-۳): تفاوت بنیادین خیرسنتی و خیرجدید.....	۲۲۷
شکل (۵-۴): مقایسه خیرسنتی و خیرجدید.....	۲۲۸
شکل (۵-۵): مسائل سطح حکمرانی وقف.....	۲۳۳
شکل (۵-۶): اجزاء موضوعی برای سناریوهای نحوه فعالیت سازمان اوقاف و امور خیریه ..	۲۳۸
شکل (۵-۷): مقایسه فعالیت‌های عملیاتی وقف و امور خیریه.....	۲۴۳
شکل (۵-۸): دسته‌بندی فعالیت‌های فرایند مدیریت موقوفات.....	۲۴۴
شکل (۵-۹): اجزاء اصلی مدیریت وقف.....	۲۴۵
شکل (۵-۱۰): برخی از حوزه‌های کلان برای نقش‌آفرینی نهاد وقف.....	۲۴۹
شکل (۵-۱۱): یکپارچگی پایگاه داده در حوزه مدیریت امر خیر.....	۲۵۱
شکل (۵-۱۲): نوع‌شناسی از فرایندهای اقتصادی وقف.....	۲۶۶
شکل (۵-۱۳): چهارچوب مفهومی تحلیل اقتصاد وقف.....	۲۷۰

### فهرست نمودارها

نمودار (۴-۱): اهمیت مسائل ناظر به موضوعات آن‌ها.....	۱۴۸
نمودار (۴-۲): اهمیت موضوعات اصلی نظام مسائل سازمان اوقاف و امور خیریه.....	۱۴۹



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل/ آیه شریفه ۱۵)



رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را برآن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش پردازد و براین باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

ازسوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. ازاین‌منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون

توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه

## پیشگفتار نویسندگان

نهاد وقف به عنوان یکی از نهادهای تأسیسی صدر اسلام نقش بسیار مهمی در توسعه تمدن اسلامی داشته است. جوامع اسلامی در طول تاریخ از این نهاد برای حکمرانی اقتصادی و اجتماعی بهره برده‌اند. سازوکار مدیریت اقتصادی دارایی‌ها که در ابتدا شامل زمین بود باعث می‌شد تا بتوان در کنار مدیریت اقتصادی دارایی برای نفع اجتماعی نیز برنامه‌ریزی کرد. حفاظت حقوقی که براساس عقد وقف صورت می‌گرفت انگیزه‌ای بود تا افراد انگیزه کافی برای وقف را داشته باشند.

البته این نهاد در طی تاریخ فراز و فرودهایی داشته است. همان‌طور که تمدن اسلامی دچار افول شد، استفاده از این نهاد نیز کمتر شد. طراحی این نهاد به گونه‌ای که در عین ملاحظات اقتصادی بتواند به نفع اجتماعی نیز منجر شود از نوآوری نهادی تمدن اسلامی است. جایگاه این نهاد در نظام اقتصادی اسلام برای عمران و آبادی انکارناپذیر است. اما این نهاد هم‌زمان با توسعه فناوری و مباحث جدید حکمرانی توسعه پیدا نکرد. ظرف زمان و استفاده از نوآوری‌های فناورانه برای افزایش بهره‌وری کمتر مورد توجه قرار گرفت. از طرف دیگر توجه به نیات جدید همچون وقف علم و فناوری نیازمند توجه ویژه سیاست‌گذار در این زمینه بود. مسائل جدید دیگری همچون دارایی‌های جدید همچون حق تألیف یا حق ثبت اختراع نیز دارایی‌های جدیدی بودند که نیازمند توجه ویژه فقها هستند.

در هر صورت تحلیل اقتصادی نهاد وقف با توجه به تحولات زمانه برای بررسی کارشناسی که باید در اختیار فقها قرار گیرد، ضروری است. در این کتاب سعی شده

است تا تحلیل‌های اقتصادی نهادی برای بررسی سیستمی و جامع برای نهاد وقف فراهم شود. به همین دلیل از دو بُعد خرد و کلان به مسائل اقتصاد نهاد وقف در ایران پرداخته شده است. با یک نگاه فرایند از انگیزش افراد برای وقف تا اجرای نیت برای موقوف علیهم در سطح خرد دیده شده است. در هرکدام از مراحل وقف با چالش‌های زیادی مواجه هستیم که باید از ظرفیت نوآوری‌های نهادی و فنی در جهت برطرف کردن آن بهره‌بریم. در سطح کلان نیز جایگاه نهاد سیاست‌گذار و تحلیل محیطی آنچه در داخل کشور و چه در خارج از اهمیت بالایی برخوردار است.

براین اساس سعی کردیم تا با همه ذی‌نفعان این حوزه از واقفان تا موقوف علیهم؛ از سیاست‌گذار تا متصدیان اجرایی این حوزه مصاحبه داشته باشیم و در کنار تجربیات بین‌الملل و ادبیات نظری این حوزه به ارائه راهکارهای بهره‌وری موقوفات بپردازیم؛ بنابراین در انتهای این کتاب به ارائه سند جامع بهره‌وری موقوفات اشاره‌ای نیز داشته‌ایم.

این کتاب که حاصل طرح پژوهشی نویسندگان در تعامل با سازمان اوقاف و امور خیریه است بعد از دو سال کار علمی و راهبردی به زیور طبع آراسته شده است. این مهم بدون حمایت‌های سازمان محقق نمی‌شد. بر خود لازم می‌دانیم از ریاست سازمان اوقاف و امور خیریه که این فرصت را فراهم آوردند تشکر کنیم. توصیه‌های کارشناسانه همکاران در معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی به خصوص جناب آقای دکتر مولایی و سرکار خانم دکتر شاه‌محمدی بسیار مغتنم بود. تعامل با معاونت بهره‌وری اقتصادی موقوفات و بقاع متبرکه در اجرایی کردن برخی از راهکارها باعث شد تا رابطه بین پژوهش و اجرا هرچه بهتر فراهم گردد. در این زمینه تلاش‌های آقای دکتر پندار و همکاران شایسته تقدیر است. در نهایت از همکاران پژوهش‌کننده مطالعات فناوری و سایر عزیزانی که در به‌ثمرنشستن این اثر همکاری داشتند، کمال تشکر را داریم.

در نهایت از آنجاکه این پژوهش، همچون سایر پژوهش‌ها از خطا و اشتباه مبرا نیست، از همه خوانندگان محترم تقاضا می‌شود تا نظرها و اشکالات خود را با نویسندگان در میان بگذارند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

## فصل اول: بررسی و مبانی نظری و مفاهیم پایه

### مقدمه

وقف نهادی است با بیش از ۱۴۰۰ سال قدمت تاریخی و مبانی فقهی مستحکم، دارای اثرهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در مقیاس ملی و بین‌المللی که روزبه‌روز برونسعت و عمقش افزوده می‌شود. بررسی جایگاه این نهاد از ابعاد مختلف می‌تواند مخاطب را با جایگاه و اهمیت آن آشنا سازد. از این منظر در فصل نخست این کتاب، به بررسی مبانی نظری و مفاهیم پایه پرداخته خواهد شد. در گام اول، مروری بر مفهوم‌شناسی وقف در منظومه امور خیریه صورت خواهد گرفت و نسبت وقف با سایر رفتارهای خیریه مشخص خواهد شد. علاوه بر این، تحلیلی از رابطه نهاد وقف با خرده‌نظامات اجتماعی ارائه شده تا فهم عمیق‌تری از نهاد وقف و کارکردها و عملکرد آن به دست آید.

### ۱-۱. تعاریف مفاهیم دینی در رفتارهای خیرخواهانه

اگرچه در قرآن کریم آیه‌ای صریح دال بر وقف وجود ندارد؛ اما در اندیشه قرآنی، وقف زیرمجموعه انفاق و از مهم‌ترین شاخه‌های آن است. ارزش و اهمیت انفاق به اندازه‌ای است که در قرآن کریم، در بیش از ۸۰ آیه به آن پرداخته شده<sup>۱</sup> (افسای، ۱۳۸۷) و

۱. مانند سوره بقره آیات ۲، ۱۹۵، ۲۱۵، ۲۵۴، ۲۱۶؛ سوره آل عمران آیه ۹۲، ۱۱۷ و....

جایگاهی مبنایی یافته است. وقف شکلی خاص از انفاق و به‌عنوان صدقه جاریه و همیشگی است که یکی از مصادیق خیرماندگار به‌شمار می‌آید. اسلام با تأکید بر وقف و تشویق به صدقات جاریه، اختیارات و نظرهای مالک نسبت به ملک خود را حتی سال‌ها پس از مرگش محترم و نافذ شمرده و واقف این فرصت را دارد که از اجر و ثواب عمل نیک خود در حل مسائل اجتماعی یا انجام امور نیک و خیر، به‌مدت طولانی بهره‌مند شود. تشویق اسلام به مسئله وقف، و اقدام پیشوایان بزرگ به آن، سبب شده بخش قابل توجهی از اموال از شکل خصوصی درآمده و رنگ عمومی به خود گیرد و در خدمت توده‌های عظیم اجتماع باشد که این خود گامی بلند برای توزیع عادلانه ثروت، تأمین و توازن اجتماعی است.

وقف، خرد اقتصادی و اندیشه اجتماعی واقف است. واقف با نگاهی رو به جلو گامی فراتر از دایره زندگی روزمره خود برداشته و به برآوردن نیازهای آیندگان اقدام می‌کند. این عمل چون از جنس خود مردم است آسان‌تر پذیرفته و نهادینه شده و کارکرد احسن خود را می‌یابد. وقف، عدالت اجتماعی را گسترش داده، فرهنگ دینی را بسط می‌دهد و قیام و اقامه دین در جامعه را تضمین می‌کند. وقف از نهادهای مهم اجتماعی است که هم در اسلام بر آن تأکید فراوان شده و هم در ادیان غیر از اسلام و جوامع غیرمسلمان مورد توجه قرار گرفته است. در غرب معاصر نیز وقف از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است، به طوری که شمار سازمان‌ها و بنیادهای وقفی و خیریه، تنها در آمریکا از مرز میلیون گذشته است. از آثار اقتصادی و اجتماعی برشمرده برای وقف می‌توان به کاهش فقر، افزایش سطح اشتغال، گسترش علم، رشد تولید ملی، افزایش درآمد سرانه، تأمین بهداشت و درمان و گسترش علوم و فنون نام برد.

مطالعه اجمالی تاریخ وقف در اسلام این حقیقت را روشن می‌کند که نخستین انگیزه‌های واقفان برای مبادرت به وقف، نابودی فقر و محرومیت از جامعه مسلمین بوده است. با فتوحات مسلمین و گسترش سرزمین‌های اسلامی و بهبود وضع مالی مسلمین، در موقوفات هم از جهت کمی و کیفی گسترش و تغییراتی حاصل شد و کارکردهای بیشتری در تأمین اجتماعی یافت. مروری بر تاریخ وقف و موقوفات نشان می‌دهد که

بخش قابل توجهی از آن‌ها به مراکز علمی و آموزشی مانند دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز تحقیقاتی اختصاص دارد به گونه‌ای که اکثر بزرگان علمی جهان اسلام و دانشمندان بزرگ، به نحوی با کمک وقف، تحصیلات و تحقیقات خود را انجام داده و به پایان رسانده‌اند. مدرسه بغداد که به اسم نظام‌الملک واقف آنکه در اصفهان و نیشابور و هرات و غیره مدارس ساخت و به این کار شهرت یافت، نظامیه بغداد خوانده می‌شود یکی از نمونه‌های برجسته این موقوفات است.

اوج تمدن اسلامی در دوران عثمانی زمانی است که اوقاف بیش از هر زمان دیگری توسعه یافته بود. بیشتر افراد جامعه در خانه‌های وقفی متولد می‌شدند، در مدارس وقفی آموزش می‌دیدند و کتاب‌ها را از کتابخانه‌های وقفی به امانت می‌گرفتند و به هنگام بیماری در بیمارستان‌های وقفی مداوا می‌شدند و در زمین‌های وقفی به کشت و کار می‌پرداختند. پژوهشگران با مطالعه تاریخ اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی دریافته‌اند که وقف در پنج زمینه کارکرد یافته و سبب رونق و پویایی دین مبین اسلام گردیده است: عبادت و معنویت، جهاد و تبلیغ، آموزش و پرورش، پزشکی و درمان عمومی، عدالت و تأمین اجتماعی.

یکی از ویژگی‌های اقتصاد اسلامی، نگرش توزیعی آن است به این معنا که در اقتصاد اسلامی نه تنها به روابط تولیدی و شیوه‌های تولید ثروت و افزایش آن پرداخته می‌شود بلکه علاوه بر این توجه اصلی به نحوه توزیع ثروت و درآمد است که در مسیر صحیحی جریان یابد (عیوضلو، ۱۳۶۹: ۹۸). در دین اسلام، سازوکار بازتوزیع درآمدی به منظور کاهش شکاف طبقاتی، کم کردن فقر و محرومیت و بهبود عدالت در اشکال مختلفی دنبال می‌شود که در ادامه به بررسی مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

#### ۱-۱-۱. انفاق

وقف در ذیل انفاق به عنوان کلی‌ترین مفهومی که ناظر به رفتار بخشندگی در ادبیات دینی است، قرار می‌گیرد. انفاق از ریشه «نفق» به معنای خروج یا تمام شدن است. انفاق را از آن انفاق گویند که شخص مال را بدان وسیله از دستش خارج می‌کند و یا فانی می‌نماید. راغب آن را لازم و به معنی تمام شدن دانسته است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۹۷). کم شدن، نابود شدن، هزینه کردن، مخفی کردن و پوشاندن است (ابن منظور، ۱۴۱۶ق،

ج ۱۴: ۲۴۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۴۵۴). از دیگر معنایی است که برای نفق ذکر شده گفته‌اند که نفق برانقطاع چیزی و رفتن آن و همین‌طور پوشاندن و مخفی کردن چیزی و چشم‌پوشی از آن دلالت می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۶).

انفاق به معنای تأمین هزینه است، خواه هزینه مالی باشد یا غیر آن و خواه از دست انفاق کننده خارج شود یا خارج نشود. آنچه از دست انفاق کننده خارج می‌شود مانند انفاق غیر خدا و آنچه از دست انفاق کننده خارج نمی‌شود، مانند انفاق خداوند که در عین تأمین هزینه دیگران در دست خداست: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ»<sup>۱</sup> (مائده / آیه ۶۴)، (مصطلحات، ۱۳۹۱: ۳۲). برخی نیز انفاق را از نفق به معنای سوراخ و لانه زیرزمینی موش صحرائی دانسته‌اند که دو در دارد و هرگاه کسی از دری خواست او را صید کند از در دیگر خارج می‌شود. وجه مناسبت آن است که انفاق نسبتی به خداوند بی‌نیاز دارد و نسبتی به مخلوق محتاج (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۵۹). در یک تقسیم‌بندی انفاق را به پنج دسته تقسیم کرده‌اند:

دسته اول: انفاق واجب؛ مانند: زکات<sup>۲</sup>، خمس، کفارات، فدیة و نفقه زندگی که برعهده مرد است.

دسته دوم: انفاق مستحب؛ مانند: کمک به مستمندان، یتیمان و هدیه به دوستان.

دسته سوم: انفاق حرام؛ مانند: انفاق با مال غصبی یا در راه گناه.

دسته چهارم: انفاق مکروه؛ مانند: انفاق به دیگران با وجود مستحق در خویشاوندان.

دسته پنجم: انفاق مباح؛ مانند: انفاق به دیگران برای توسعه زندگی (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۳۷).

۱. و یهود گفتند: «دست خدا بسته است». دست‌های خودشان بسته باد و به [سزای] آنچه گفتند، از رحمت خدا دور شوند بلکه هر دو دست او گشاده است، هرگونه بخواهد می‌بخشد.

۲. زکات خود به دو قسم کلی زکات اموال و زکات ابدان (فطره) تقسیم می‌شود. زکات اموال، نسبت معینی است که براساس شرایط عنوان شده در فقه بر اموال خاصی لازم می‌شود؛ اما زکات ابدان که به مثابه مالیات مقطوع است، با تحقق شرایط عمومی تکلیف مانند: بلوغ، عقل، حریت، عدم بیهوشی در هنگام حلول ماه شوال و غنا، بر سرپرست خانوار یک بار در سال (در روز عید فطر) واجب می‌شود (کیاء الحسینی، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

### ۱-۲-۱. صدقه

صدقه<sup>۱</sup> عبارت است از انفاقی که به صورت صحیح انجام شود؛ البته در روایات معنای بسیار موسعی از صدقه دیده می‌شود و آن عبارت است از هر کار نیک و پسندیده: «وَقَالَ النَّبِيُّ (ص) كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ وَ مَا وَقَى بِهِ الْمَرْءُ عِرْضَهُ كَتَبَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ»<sup>۲</sup> (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۳: ۱۸۲).

آنچه که در بین عامه مردم مشهورتر است، استعمال لفظ صدقه برای انفاق‌های مستحبی است. صدقه آن چیزی است که انسان از آن را از مالش به منظور قرب الهی خارج می‌کند؛ مانند: زکات. اما صدقه در اصل برای عمل داوطلبانه (استحبابی) و زکات برای واجب است؛ البته برای واجب نیز صدقه استفاده می‌شود، زمانی که انجام‌دهنده و پرداخت‌کننده زکات در کارش صدق و راستی داشته باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۸۰). همچنین گفته شده است که صدقه عطیه‌ای است که به وسیله آن تقرب به خداوند متعادل خواسته می‌شود (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۶: ۳۶۹۱).  
واژه صدقه در فقه دو کاربرد دارد:

یک) به معنای عام که بین فقیهان پیشین، شهرتی فزون‌تر داشته است. در این کاربرد، صدقه به معنای هرگونه پرداخت مالی است که برای رضای خدا صورت پذیرد، خواه واجب باشد یا مستحب. از این روی زکات مالی مصطلح، فطره، کفارات و نذورات و قربانی و انفاق‌های مستحب را شامل می‌شود و این‌گونه است که در تقسیم‌بندی انفاق‌های مالی و نیز تعریف آن‌ها، به سان مقسم و جنس قرار می‌گیرد.

دو) به معنای خاص که همان انفاق مستحب است. در تعریف آن گفته‌اند: «التطوع بتملیک العین بغير عوض». این معنا به تدریج در عرف فقیهان و سپس در عرف جامعه

---

۱. لازم به ذکر است که دامنه معنایی صدقه بسیار فراتر از پرداخت‌های مالی است که بررسی آن خارج از هدف نوشتار حاضر است؛ به عنوان مثال تنها به دو روایتی که دلالت بر این نکته دارد اشاره می‌شود:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ صَدَقَةُ اللِّسَانِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا صَدَقَةُ اللِّسَانِ قَالَ الشَّفَاعَةُ تُفَكُّ بِهَا الْأَسِيرَ وَ تَحْفَنُ بِهَا الدَّمَ وَ تَجُزُّ بِهَا الْمَعْرُوفَ إِلَى أَخِيكَ وَ تَدْفَعُ بِهَا الْكُرْبَةَ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۳: ۱۳۶).

«وَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) وَ مِنَ الصَّدَقَةِ أَنْ يَتَعَلَّمَ الرَّجُلُ الْعِلْمَ وَ يَعْلَمَهُ النَّاسَ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۳: ۱۳۶).

۲. هر کار نیک صدقه است و هر کاری که انسان به وسیله آن آبرویش را حفظ کند، برای او صدقه نوشته می‌شود.

غلبه پیدا کرده است. بررسی موارد کاربرد و توجه به قرینه‌های کلامی و سیاقی، به روشنی نشان می‌دهد که کاربرد قرآنی آن، بسی گسترده است؛ آن‌سان که هرگونه کمک مالی به نیازمندان، خواه در قالب انفاق‌های واجب یا مستحب و نیز کمک‌های غیرمالی و احسان و گذشتن از حق را شامل می‌شود و خصوصیت مورد به کمک قراین قابل تشخیص است (ایروانی، ۱۳۸۷: ۱۶۱ و ۱۶۲).

واژه صدقه از صدق گرفته شده که در اصل، نقطه مقابل کذب است و در تعریف آن سه نظریه مطابقت خبر با واقع، یا با اعتقاد یا هردو مطرح است. صدق همچنین به معنای کامل از هرچیز نیز به کار رفته است (ایروانی، ۱۳۸۷). در اصطلاح فقه و حقوق، صدقه از گستردگی قابل توجهی از حیث مصادیق برخوردار است، به طوری که نمی‌توان همه آن‌ها را در یک جمله و به طور مختصر در تعریفی دقیق و جامع قرار داد. گروهی صدقه را نوعی عبادت تلقی نموده‌اند که اعم است از امور واجب و مستحب. براین اساس، صدقه یک عمل عبادی صرف است که باید توأم با قصد قربت باشد و به منظور اطاعت از اوامر پروردگار صورت گیرد. برخی از حقوق دانان، صدقه را موجبی از اسباب تملک به شمار آورده و معتقدند صدقه عبارت از تملیک مال است به فقرا به قصد تقرب به خداوند. براین اساس، صدقه یک عمل صرفاً عبادی نیست بلکه عملی حقوقی با احکام خاص خود به شمار می‌رود. بعضی از اندیشمندان، برای صدقه مفهوم و ماهیت حقوقی مستقل قائل نشده و برآنند که صدقه، هبه‌ای است که به قصد تقرب به خدا داده می‌شود و موضوع آن، به طور معمول دستگیری از مستمندان و درماندگان است. با توجه به آنچه که گفته شد صدقه عنوانی است در هردو حوزه کلی فقهی عبادات و معاملات، مصادیقی دارد و محدود و محصور به امری واحد نیست؛ بنابراین، در بیان معنا و مفهوم اصطلاحی صدقه می‌توان گفت که این لفظ، در قلمرو فقه و حقوق از سه معنا برخوردار است؛ در معنای اعم صدقه هم در عبادات و هم در معاملات، موضوع و مصداق دارد. در معنای عام، در معاملات جای گرفته و حسب مورد ممکن است در قالب یکی از اعمال حقوقی متجلی شود در معنای خاص، صدقه یک عقد مستقل است که احکام و آثار ویژه خود را داشته، و از هویتی ممتاز نسبت به سایر عقود برخوردار است (ابوعطا و فرزاد، ۱۳۹۳).

### ۱-۳-۱. خمس

در فقه اسلامی، «خمس» عبارت است از یک پنجم اموال انسان که باید از درآمد و مازاد بر مخارج خود با شروط خاصی که در فقه بیان شده، پرداخت شود و آن حقی است که خداوند برای پیامبر اکرم (ص) و امام معصوم (ع) قرار داده تا مستمندان از خاندان آن بزرگواران به جای زکات مصرف و نیازمندی‌های خود را با آن تأمین کنند. خمس به دو قسم تقسیم می‌شود: نیمی از آن، سهم امام (ع) است که باید توسط حاکم اسلامی در مصالح اسلام و مسلمانان هزینه گردد و نیم دیگر آن، سهم سادات است.

آیه ۴۱ سوره انفال به موضوع خمس پرداخته و آن را از نشانه‌های ایمان شمرده است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أَمِنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ؛ و بدانید که هر غنیمتی به دست شما رسید یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و آنچه در روز فرقان بر رسولش نازل کرد ایمان دارید». در این آیه تأکیدهای ادبی متعددی وجود دارد: «واعلموا، انما، من شئی، فإِنَّ، لِلَّهِ، إِنْ كُنْتُمْ أَمِنْتُمْ» که اهمیت بالای خمس را می‌رساند. در میان فقها دو دیدگاه کلی در خصوص آیه خمس وجود دارد. مقصود از غنیمت در آیه خمس، یا همه فواید و ارباح است نه خصوص غنائم جنگی، چنان که جمعی از فقها و مفسران بر این نظرند (مانند: بروجردی، فاضل لنکرانی، موسوی خویی، منتظری و...). یا اینکه در خصوص غنائم جنگی است؛ اما با استفاده از روایات، خمس اختصاص به غنائم جنگی ندارد و شامل امور دیگر از جمله مطلق فواید و ارباح است (نیک‌زاد، ۱۳۹۶). موافقان استناد به این آیه شریفه برای اثبات خمس در هر نوع سود و منفعتی، توجه به معنای کلمه غنم است. معنای لغوی «غنم» هر سود و منفعتی است که به دست انسان برسد، چه منفعت کسب باشد چه غنیمت جنگی یا هر سود دیگری. راغب اصفهانی در مفردات القرآن می‌گوید غنیمت از ریشه «غنم» (به معنی گوسفند) گرفته شده سپس در هر چیزی که انسان از دشمن و یا غیر دشمن به دست می‌آورد به کار رفته است. طبرسی نیز غنم را هر سود و منفعتی می‌داند نه فقط غنیمت جنگی، همان‌گونه که لفظ مغانم در آیه ۹۴ سوره نساء به

همین معنا به کار رفته است.

بر اساس دیدگاه فقیهان امامیه، خمس به شش قسمت تقسیم می‌شود: سهمی برای خداوند متعال، سهمی برای پیامبر اکرم (ص) و سهمی برای امام معصوم (ع) که این سه سهم در روزگار ما از آن امام زمان است و در شرایط غیبت آن بزرگوار به فقیه حاکم (ولی فقیه) می‌رسد؛ اما سه سهم دیگر به یتیمان، مستمندان و در راه ماندگانی می‌رسد که نسبشان از سوی پدر به عبدالمطلب می‌رسد که به آنان سید می‌گویند. در مورد نحوه مالکیت خمس نیز می‌توان گفت آنچه از منابع فقهی به دست می‌آید آن است که خمس در مالکیت امام معصوم بوده؛ اما در نصف آن جهات مصرف خمس مشخص شده است (میسسی و دیگران، ۱۳۹۱).

#### ۱-۱-۴. زکات

واژه‌شناسان برای زکات معانی چندی بر شمرده‌اند که عبارت‌اند از: نما (رشد)، طهارت، طلاح، لیاقت، مدح، برکت و خالص شی. برخی از عالمان لغت تصریح کرده‌اند که این واژه در اصل به معنای نما و زیاده است گویانکه برخی دیگرگاه تا چهار معنای دیگر را نیز معنای اصلی این واژه دانسته‌اند. به نظر می‌رسد مفهوم اصلی این کلمه، همان فزونی و رشد است و از آنجاکه شرط و لازمه آن پیراسته بودن از موانع است، به معنای طهارت نیز به کار رفته است. چنان‌که سایر معانی یادشده نیز به گونه‌ای به آثار و نتایج یا لوازم آن اشارتی دارند.

پرداخت‌های مالی به قصد تقرب به معبود و برای رفع فقر یا گسترش دین و آیین دارای پیشینه‌ای تاریخی‌اند؛ چنان‌که در عرب جاهلی نیز پرداخت‌های مالی که صبغه دینی داشته در قالب عناوینی همچون نذر، قربانی، مَنَح (صدقات و عطایا) و قری (تقدیم طعام به نیازمندان) به دو شکل اجباری و داوطلبانه وجود داشته است. اما در مورد کاربرد واژه زکات به معنای پرداخت مالی، در میان محققان اختلاف نظر وجود دارد. برخی بر آن هستند که این واژه، هم به مفهوم لغوی و هم انفاق مالی، ریشه در لغت عرب دارد و پیش از اسلام نیز به کار رفته است و برخی دیگر آن را از مخترعات اسلام می‌دانند (ایروانی، ۱۳۸۷).

در بحث مفهوم‌شناسی فقهی واژه زکات، نیازمند چند نکته است:

اول اینکه زکات گاهی بر فعل مکلف اطلاق می‌گردد و دیگرگاه، بر مال یا حق مالی که باید پرداخت گردد. تعاریف فقیهان ناظر بر کارکرد دوم است.

دوم آنکه برخی محققان و فقیهان به این نکته اذعان کرده‌اند که واژه زکات در متون قرآنی و روایی، اعم از زکات مال، زکات فطره و خمس بوده و حتی گاه، همین تعمیم را در متن فقهی خود اعمال کرده بر تعمیم آن به واجب مستحب نیز تصریح نموده‌اند، گویانکه اطلاق آن را منصرف به زکات مال دانسته‌اند.

سوم آنکه تناسب زکات اصطلاحی با مفهوم طهارت (یعنی معنای لغوی زکات) از آن روست که شخص را از گناهان و آلودگی‌های مالی عدم پرداخت حقوق فقرا پاک می‌کند، چنان که وی را از آلودگی بخل و رذیلت‌های اخلاقی نیز پیراسته می‌سازد. تناسب آن با مفهوم نما آن است که موجب فزونی پاداش و فراوانی و برکت مال شده و فضیلت‌های انسانی و اخلاقی را در نفس آدمی رشد می‌دهد و با مفهوم صلاح نیز از آن روی که موجب اصلاح مال، عمل و نفس آدمی می‌شود (ایروانی، ۱۳۸۷).

فقیهان زکات و خمس را که به منظور سامان دادن به وضعیت اقتصادی و با هدف تحقق عدالت اجتماعی تشریح شده است را در عداد عبادات دانسته‌اند؛ به این معنا که پرداخت زکات و خمس بدون قصد قربت عملی است باطل و بی‌اثر (باقری، ۱۳۸۷).

#### ۱-۱-۵. قرض الحسنه

قرض در لغت به معنای قطع کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۷) و زمانی گفته می‌شود که فردی به دیگری قرض داده که مالش را از خود جدا کرده و به او داده باشد. کلمه قرض در آیات قرآن کریم و کتاب‌های فقهی و حقوقی به کار رفته است. معنای مشهور، معروف و شایع قرض در کتب لغت، قطع کردن و بریدن است؛ از این رو در زبان عربی به قیچی که برنده است، مقراض می‌گویند. اگرچه به تناسب کلام در معانی دیگر نظیر روی گرداندن از مکان، دور شدن از مکان، به چپ و راست رفتن، جویدن و پاداش دادن به کار رفته است. وام را نیز قرض می‌گویند چون شخص رابطه ملکیت جزئی از اموال را با خود قطع کرده به دیگری می‌دهد به نیت اینکه عین مال یا بدل آن را در آینده به او بدهند. کلمه قرض مصدر است؛ البته به مالی که به مقترض داده می‌شود، قرض گفته‌اند، بدین جهت که

گاهی در عرف نام مصدر را روی مفعول قرار می‌دهند (حبیبیان نقیبی، ۱۳۸۳). در اصطلاح فقهی و حقوقی قرض عبارت است از تملیک مال به دیگری، به شرطی که قرض‌گیرنده ادای خود آن مال یا مثل آن را ضامن شود و تعهد کند. در عقد قرض شرط زیادی جایز نیست؛ بنابراین بدون ربابودن، شرط اساسی جواز قرارداد قرض است. قرض الحسنه نوع خاصی از قرض است. اگرچه قرض الحسنه از جهت فقهی و حقوقی تحت عقد قرض مطرح می‌شود و همان احکام را دارد، تحقق آن شرایط خاصی دارد که آن را از دیگر موارد قرض جدا می‌کند. این شرایط عبارت‌اند از نیازمندبودن وام‌گیرنده، انگیزه‌های معنوی و آخرتی قرض‌دهنده (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸). ماده ۶۴۸ قانون مدنی ایران، قرض را عقدی می‌داند که به سبب آن احدالطرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد کند و در صورت تعذر رد مثل، قیمت یوم‌الرد را بدهد.

فرهنگ غنی اسلام با برانگیختن انگیزه‌های معنوی در صدد تنظیم رفتار مادی افراد جهت رفع نیازهای اقتصادی است. قرض الحسنه در مقام پاداش از صدقه پیشی می‌گیرد. به گونه‌ای که امام صادق (ع) در این باره می‌فرمایند: «برای من محبوب‌تر است که مالی را قرض دهم تا آن را صدقه بدهم» (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۳: ۶۸). جالب اینکه این ترغیب یک طرفه نیست و شارع مقدس همان‌طور که جامعه را به قرض دادن تشویق کرده، قرض‌گیرنده را نیز تشویق می‌کند که آن را به موقع برگرداند (عرب مازار و کیقبادی، ۱۳۸۵). نهاد قرض الحسنه سابقه‌ای به قدمت زندگی اجتماعی انسان‌ها دارد و در طول تاریخ مورد توجه همه انسان‌ها به‌ویژه اندیشه‌ورزان و رهبران دینی و مذهبی برهه‌های گوناگون زمان بوده و از نظر میزان مشمولیت گستره قابل‌قبولی داشته است و برخلاف ارتکاز اولیه صرفاً منحصر به پول نیست بلکه شامل همه اشیای مثلی و حتی قیمی قابل وصف و ضبط دقیق است؛ البته باید توجه داشت که بر اساس نگرش تفسیری، آیاتی که در آن لفظ قرض آمده است، بر خصوص قرض الحسنه دلالتی ندارد. اگرچه ممکن است قرض الحسنه را هم به صورت عمل نیکو در عنوان کلی انفاق و سایر اعمال پسندیده‌ای بدانیم که این آیات بر آن دلالت دارند، به نظر می‌رسد که استفاده از عمومات و اطلاعات

قرآنی نظیر «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده / آیه ۵)؛ «أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره / آیه ۱۹۵)؛ «إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ» (نساء / آیه ۱۱۴)، بر استفاده از آیات مورد بحث ترجیح دارد به ویژه که کلمه معروف در آیه اخیر در روایات به قرض تعبیر شده است (حبیبیان نقیبی، ۱۳۸۳).

#### ۱-۶-۱. وقف

وقف از جمله عبادات و از انواع صدقه جاریه است. وقف در لغت به معنی ایستادن و در اصطلاح فقهی به معنی حبس عین ملکی است بر ملک خدای تعالی که ملکیت از مالک ملک به خداوند منتقل می شود (لغتنامه دهخدا). به عبارتی دیگر ماندن اصل مال و جابه جایی منفعت آن تا مردم از منافعی بهره مند شوند. تعاریف اصطلاحی وقف در فقه و در میان فقها بسیار نزدیک است. به طوری که می توان گفت تعاریف فقها از وقف از دو قسم خارج نیست. عده ای از فقها در تعریف وقف می نویسند: «هو تحبیس الاصل و اطلاق المنفعه» (علامه حلی، ۱۴۰۳ق: ۲۱۱)؛ یعنی محبوس کردن اصل و رهاگذاشتن منفعت آن و عده ای دیگر آن را تحبیس الاصل و تسبیل المنفعه به معنای نگهداشتن اصل و جاری ساختن.

وقف در لغت به معنای ایستادن، نگه داشتن، توقف، به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن و حبس کردن و منحصر کردن چیزی برای استفاده کسی است (شیخانی، ۱۳۹۱). می توان به بیان ساده وقف را چنین تعریف کرد: «هنگامی که موضوعی مادی که دارای نقش اقتصادی نیز باشد توسط فردی برای مصرف در منظوری خاص در مدت زمانی از حال و آینده نامحدود در نظر گرفته شود. در این شرایط می توان گفت فعل وقف حادث شده است». چون هر فعلی در هر جامعه ای زمانی مقبولیت اجرا می یابد که در چهارچوب قانون و عرف آن جامعه مجاز تلقی شود؛ بنابراین باید حکم کرد واقف در انجام وقف نیت خود را در چهارچوب قوانین زمان حال جامعه شکل دهد. برخی از فقهای امامیه وقف را به حبس نمودن عین ملک و مصرف کردن منافع آن در راه خدا تعریف کرده اند (علامه حلی، ۱۴۰۸ق: ۲۱۱).

درباره نهاد وقف دو دیدگاه افراطی و تفریطی وجود دارد که ناشی از عدم درک حقیقی

جایگاه فقهی، مکتبی و علمی این نهاد در تمدن اسلامی و نظام پویای اقتصادی اسلامی است. دیدگاه افراطی، وقف و قرض‌الحسنه و دیگر نهادهای بخش سوم را آن قدر بزرگ می‌کند که می‌خواهد با آن‌ها بیشتر دشواری‌های نظام اقتصادی جامعه اسلامی را حل کند و از این راه به تمدن‌سازی اسلامی بپردازد. اما دیدگاه تفریطی آن قدر آن‌ها را کوچک می‌کند که می‌گوید دیگر وقف، قرض‌الحسنه و... کارایی لازم را ندارند و باید به آن‌ها بی‌توجه باشیم.

تعریف اقتصادی وقف را می‌توان تغییر در کاربرد منابع، از مصرف نسل حاضر به یک سرمایه‌گذاری مولد که خدمات و یا درآمدی برای مصرف نسل‌های آینده ایجاد می‌نماید، بیان کرد؛ بنابراین توسعه وقف به عنوان نهادی خصوصی (غیردولتی) در اقتصاد اسلامی، علاوه بر افزایش پس‌انداز و کاهش مصرف با تبدیل پس‌اندازها به سرمایه منجر به افزایش تولید ناخالص داخلی خواهد شد. همچنین نهاد وقف به دلیل ماهیت خود، موجب تقویت بنیان‌های اجتماعی و روحیه تعاون در جامعه شده که خود منجر به ارتقاء سرمایه اجتماعی و افزایش کارایی کل اقتصاد خواهد شد (شیخانی، ۱۳۹۱).

#### ۱-۱-۷. هبه

در ماده ۷۹۵ قانون مدنی مذکور است: هبه عقدی است که به موجب آن یک نفر مالی را مجاناً به کس دیگری تملیک می‌کند، تملیک‌کننده واهب، طرف دیگر را متهب، مالی را که مورد هبه است عین مرهونه می‌گویند. با تعریفی که قانون نموده معلوم می‌شود که هبه عقد است و برای انعقاد آن تمام شرایط مندرج در ماده ۱۹۰ قانون مدنی لازم است. یعنی قصد طرفین و رضای آن‌ها، اهلیت طرفین، موضوع معین که مورد هبه است، مشروعیت جهت هبه؛ بنابراین آنچه که در هبه اتفاق می‌افتد انتقال مالیت عین به دیگری است که بدون دریافت ثمنی از طرف مقابل صورت می‌گیرد. در واقع عقد هبه، عقدی است که در آن مالکیت مالی به دیگری منتقل شده و در عوض فرد هدیه‌دهنده، چیزی دریافت نمی‌کند.

#### ۲-۱. مقایسه تطبیقی انفاق، صدقه، زکات و...

شایع‌ترین تقسیم‌بندی مباحث فقه نزد فقهای شیعه دسته‌بندی محقق حلی در شرایع

است که کتاب خود را در چهار بخش تدوین کرده است: عبادات، عقود، ایقاعات و احکام. در عبادات نیت شرط صحت عمل است و اگر عمل بدون نیت انجام شود، باطل است. در عقود، نیت شرط انجام عمل نیست و با ایجاب و قبول محقق می‌شود؛ مثلاً خرید و فروش از جمله عقود است که به ایجاب و قبول نیاز دارد؛ اما اگر تحقق آن موضوع تنها به ایجاب نیاز داشته باشد، به آن ایقاع گفته می‌شود؛ به عنوان مثال طلاق از جمله ایقاعات است چراکه نیازی به قبول طرف دوم ندارد؛ اما جزء چهارم احکام است که منظور، چیزهایی است که نه عبادت است و نه نیازی به قرارداد و صیغه دارد، بلکه حکم خدا در این موارد، بدون نیاز به اجرای صیغه جریان می‌یابد؛ مانند: احکام غضب، حدود و تعذیر، شهادت و... با این توضیح باید گفت که از موضوعات مورد بررسی، برخی از موارد نظیر خمس، زکات و در ذیل عبادات قرار می‌گیرند؛ اما وقف و هبه جزء عقود به حساب می‌آیند که نیاز به ایجاب و قبول دارند. صدقه و انفاق نیز به نظر می‌رسد که نیاز به قبول طرف گیرنده دارد و از این جهت جزء عقود محسوب می‌شود؛ اما از جهت دیگر نیت الهی شرط تحقق آن است و از این جهت جزء عبادات نیز محسوب می‌شود.

#### جدول (۱-۱): مقایسه تطبیقی رفتارهای خیرخواهانه دینی در اقتصاد دهش

		قرض الحسنه	هبه	وقف	خمس	زکات	صدقه
اصطلاح فقهی نقش‌ها	مالک	مقرض	واهب	واقف	-	-	منفق
	منتفع	مقترض	متهب یا موهوب له	موقوفه علیهم	-	-	-
	مال	مورد قرض	عین موهوبه	موقوفه	خمس	زکات	صدقه
باب فقهی		عقود (لازم) عقود (لازم)	عقود (لازم و در شرایطی غیرلازم)	عقود (لازم) (اختلافی)	عبادات	عبادات	عقود (غیرلازم)
مخاطبان دریافت‌کننده		غالباً نیازمندان	عمومی	نیازمندان، زائران، عزاداران و...	سادات نیازمند / تبلیغ دین	نیازمندان	نیازمندان
واجب یا مستحب		مستحب	در شرایطی می‌تواند مستحب باشد	مستحب	واجب	واجب	مستحب

صدقه	زکات	خمس	وقف	هبه	قرض الحسنه
لازم	لازم	لازم	لازم	غیرلازم	لازم
موقت	موقت	موقت	مستمر	موقت	موقت
عین	عین	عین	منفعت	عین	عین
در شرایطی ممکن	غیرممکن	غیرممکن	غیرممکن	در شرایطی ممکن	لازم
خیر	بله	بله	بله	خیر	خیر
مورد اختلاف	بله	خیر	بله	خیر	خیر

### ۳-۱. رابطه نهاد وقف با نظام اجتماعی

برای بررسی رابطه وقف و نظام اجتماعی نیازمند چهارچوب مفهومی هستیم. رویکردهای مختلفی در این زمینه وجود دارد که یکی از آنها توسط تالکوت پارسونز<sup>۱</sup> ارائه شده است. پارسونز در تحقیق‌های خود با استفاده از رویکرد سیستمی سعی کرده است در قالب نظریه‌ای عمومی، کنش پارادایمی را مطرح کند که وحدت و یگانگی علوم انسانی و زمینه همکاری میان آنها را فراهم کند؛ بدون آنکه یکی را بر بقیه مسلط کند (روشه، ۱۳۷۶).

#### ۳-۱-۱. رویکرد تحلیل نظام اجتماعی پارسونز

کتاب «نظام اجتماعی» (۱۹۵۱) پارسونز تلاشی در جهت ترکیب و تعمیم طرحی مفهومی برای تحلیل جریان‌ات موجود در خرده‌نظام‌های اجتماعی است. پارسونز در این کتاب یک نظریه جامعه‌شناختی ارائه می‌کند که نظم و به هم پیوستگی نظام‌های اجتماعی را مورد سؤال قرار می‌دهد. پرسش اصلی او این است که چرا نظام‌های اجتماعی بر مبنای مجموعه‌ای از جهت‌گیری‌های ارزشی مشترک و تجلی یافته،

1. Anthony Parsons

پیوستگی خود را حفظ می‌کنند؟ فرایندهای ضامن بقاء در نظام‌های اجتماعی کدام‌اند؟ (همیلتون، ۱۳۷۹). پارسونز سپس طرح نظام اجتماعی را در کتاب «نظام‌های اجتماعی و تطور نظریه کنش» (۱۹۷۷) بسط داده و براین اساس نظام‌های اجتماعی را برآورنده چهار نیاز یا اقتضای کارکردی دانست که در هر جامعه چهار خرده‌نظام برای تحقق این چهار کارکرد بروز پیدا می‌کند.

پارسونز در سه سطح خرده‌نظام‌های جامعه را بررسی می‌کند:

- ۱- سطح نخست شامل چهارچوب و طرح مفهومی نظریه عام کنش همراه با چهار خرده‌نظام کارکردی آن است که عبارت‌اند از: تطابق، هدف‌یابی، تجانس و ابقا. این انتزاعی‌ترین و عام‌ترین سطح است که برهن نظامی از کنش قابل انطباق است.
- ۲- دومین سطح، مرحله‌ای است که پارسونز میان چهار خرده‌نظام ارگانیزم زیستی، نظام شخصیتی، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی در درون نظام کنش فرق می‌گذارد.
- ۳- در سومین سطح، مفاهیم با واقعیت مشخص تطبیق داده می‌شوند.

هدف پارسونز از این بررسی ایجاد یک طرح نظام‌مند و تعمیم‌یافته مفهومی برای تحلیل ساختار و فرایندهای نظام‌های اجتماعی است. به گمان وی وظیفه نظریه جامعه‌شناختی بررسی نظام اجتماعی از یک دیدگاه تحلیلی خاص است که بر نهادهای الگوها و جهت‌گیری ارزشی در زمینه نقش‌ها متمرکز است. پارسونز چهار نوع خرده‌نظام اجتماعی متفاوت (به لحاظ تحلیلی) و درعین حال مرتبط با یکدیگر را برای جامعه قائل می‌شود. وی برای خرده‌نظام‌های اجتماعی الگویی بین مبادله‌ای معرفی می‌کند که آن را آجیل (AGIL) می‌خواند. او در این مدل برای هر خرده‌نظام یک کارکرد در نظر می‌گیرد که برای حفظ و بقای یک سیستم اجتماعی لازم‌اند. پارسونز آن‌ها را ضرورت‌های کارکردی می‌نامد. این چهار خرده‌نظام و کارکردشان عبارت‌اند از:

الف) خرده‌نظام اقتصادی؛ کارکردش تطابق با محیط<sup>۱</sup> است؛ یعنی هر نظامی باید خودش را با موقعیتی که در آن قرار گرفته است تطبیق دهد و محیط را نیز با نیازهای سازگار سازد.